

جامعه‌شناسی سیاسی

# شناخت دولت

www.ketab.ir

دکتر داور شیخاوندی

سرشناسه: شیخاوندی، داور، ۱۳۱۲-  
 عنوان و نام پدیدآور: جامعه‌شناسی سیاسی: شناخت دولت / دکتر داور شیخاوندی  
 مشخصات ناشر: تهران: نشر قطره، ۱۳۹۱  
 مشخصات ظاهری: ۳۷۴ ص  
 فروست: سلسله انتشارات - ۱۶۶۷، علوم اجتماعی - ۶۹-  
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۹-۵۸۶-۰۰  
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس  
 موضوع: جامعه‌شناسی سیاسی  
 موضوع: جامعه‌شناسی سیاسی - ایران  
 موضوع: دولت - ایران  
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ ج ۲ / ۹۲ ش ۷۶ / JA  
 رده‌بندی دیویی: ۳۰۶/۲  
 شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۲۸۰۶۸۹۸

ISBN: 978-600-119-586--

شابک: -- ۹۷۸ -۶۰۰ -۱۱۹ -۵۸۶



جامعه‌شناسی سیاسی

دکتر داور شیخاوندی

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۲

چاپ: پردیس دانش

تیراژ: ۴۰۰ نسخه

بها: ۱۸۰۰۰ تومان

---

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.  
تکثیر تمام یا بخشی از این کتاب به هر شکلی  
(به صورت صوتی، تصویری، الکترونیکی و...)  
منوط به اجازه‌ی کتبی ناشر است.

---

خیابان فاطمی، خیابان پنجم، کوچه‌ی خجسته، پلاک ۱۰  
دورنگار: ۸۸ ۹۶ ۸۹ ۹۶  
۸۸ ۹۷ ۳۳ ۵۱-۳  
صندوق پستی: ۵۱۶۵-۱۴۱۵۵

---

**[www.nashreghatreh.com](http://www.nashreghatreh.com)**

**[info@nashreghatreh.com](mailto:info@nashreghatreh.com)**

**[nashr.ghatreh@yahoo.com](mailto:nashr.ghatreh@yahoo.com)**

**Printed in the Islamic Republic of Iran**

## فهرست عناوین

|                                                                                 |     |
|---------------------------------------------------------------------------------|-----|
| یادداشت مؤلف .....                                                              | ۹   |
| پیش‌نوشتار .....                                                                | ۱۵  |
| دفتر یکم: در چیستی و چه‌سانی علم جامعه‌شناسی سیاسی .....                        | ۱۹  |
| بخش یکم: ۱-۱ نام و نگرش جامعه‌شناسی سیاسی .....                                 | ۲۱  |
| بخش دوم: ۱-۲ نخستین پندارگران سیاست .....                                       | ۳۹  |
| بخش سوم: ۱-۳ خاستگاه واژگانی، ادبی و سیاسی تکوین دولت .....                     | ۵۰  |
| دفتر دوم: سیاست یا علم دولت‌شناسی .....                                         | ۹۱  |
| بخش چهارم: ۲-۴ کالبدشناسی سیاست .....                                           | ۹۳  |
| بخش پنجم: ۲-۵ کارکردهای دولت .....                                              | ۱۱۴ |
| بخش ششم: ۲-۶ عوامل مؤثر بر رویدادهای جامعوی منجر به دگرگونی سیاسی .....         | ۱۵۵ |
| دفتر سوم: ساختار عنصر انسانی: سیاست‌ورزان .....                                 | ۱۷۳ |
| بخش هفتم: ۳-۷ سلسله مراتب سرشتی: سن، جنس و فرمندی .....                         | ۱۷۵ |
| بخش هشتم: ۳-۸ سلسله مراتب اقتصادی .....                                         | ۱۸۶ |
| بخش نهم: ۳-۹ کارگذاران سیاست یا دولت .....                                      | ۲۲۵ |
| بخش دهم: ۳-۱۰ انواع رژیم‌های سیاسی .....                                        | ۲۵۹ |
| دفتر چهارم: اهداف و انواع کنش‌های سیاسی .....                                   | ۲۷۳ |
| بخش یازدهم: ۴-۱۱ انگیزش‌های سیاست‌وندی، تقلید و تبعیت .....                     | ۲۷۵ |
| بخش دوازدهم: ۴-۱۲ تنوری‌ها و دکترین‌های سیاسی به‌عنوان نرم‌افزارهای سیاست ..... | ۲۷۹ |
| بخش سیزدهم: ۴-۱۳ پویایی و ایستایی رژیم‌های سیاسی .....                          | ۲۹۲ |
| بخش چهاردهم: ۴-۱۴ آزادی سیاسی .....                                             | ۳۰۷ |
| بخش پانزدهم: ۴-۱۵ پرخاش و ستیز دولت به هنگام چالش و جنگ .....                   | ۳۲۰ |
| کتاب‌نامه به زبان فارسی .....                                                   | ۳۳۱ |
| کتاب‌نامه به زبان‌های فرانسه و انگلیسی .....                                    | ۳۳۳ |
| فهرست واژگان .....                                                              | ۳۳۵ |
| فهرست نام‌ها .....                                                              | ۳۶۵ |

به مناسبت بیستمین سال درگذشت زنده‌یاد پروفیسور هانری لوفسور، اندیشمند بزرگ، فیلسوف و جامعه‌شناس نوآور، پربار و انقلابی قرن بیستم، که در سال ۱۹۰۱ زاده شد و در سال ۱۹۹۱، با به جا گذاشتن ۶۰ عنوان کتاب بدیع و معتبر در حوزه‌های فلسفی، هنری و انواع مکاتب جامعه‌شناسی، چشم از جهان فرو بست.

## یادداشت مؤلف

### تأخیر در تکوین و تدوین این کتاب

در میانه دهه‌ی ۱۳۶۰، به هنگام فراهم آوردن مقدمات نوشتن کتاب «زایش و خیزش ملت»، به این نتیجه رسیدم که شناخت دولت مکمل شناخت ماست و بالعکس. بنابراین، به توازی تألیف، تحریر و طبع کتاب مذکور، به جمع‌آوری داده‌های نخستین مربوط به تکوین دولت پرداختم. انتشار کتاب چهار جلدی پروفیسور هانری لوفور، استاد برجسته‌ی فرانسوی فلسفه، جامعه‌شناسی و هنر تحت عنوان ۱- «دولت در جهان مدرن»، ۲- نظریه مارکسیست درباره‌ی دولت از هگل تا مائو، ۳- دولت و شیوه‌ی تولید دولتی، ۴- دولت: تضادهای دولت مدرن» در نیمه‌ی دوم دهه‌ی هفتاد میلادی، کار تألیف کتاب حاضر را تسهیل و تسریع کرد.

در بازگشت به تهران در اوایل دهه‌ی ۷۰ هـ. ش. و آغاز تدریس جامعه‌شناسی در دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، ضمن گفتگو با روان‌شاد دکتر محمد عبدالحی، مدیر وقت گروه علوم اجتماعی دانشکده، به وی اطلاع دادم که کتابی در زمینه‌ی جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه و تألیف کرده‌ام. به پیشنهاد دکتر عبدالحی متن دست‌نویس کتاب «شناخت دولت» را

در اختیار شادروان دکتر رهین، مدرس جامعه‌شناسی سیاسی در دانشکده نام برده در بالا گذاشتم. پس از گذشت چند ماه، دکتر رهین متن دستکاری‌شده و با حاشیه‌نگاری‌های نسبتاً متعصبانه از دیدگاه چپ افراطی را به من بازگرداند.

رفت‌وآمدهای من به پاریس، در پی عدم تثبیت شغلی در تهران، سامان دادن نهایی کتاب حاضر را حداقل برای چند سال به تأخیر انداخت و در این مدت حوادث متعدد سیاسی در منطقه به‌ویژه در عراق، با حاکمیت صدام و صدامیان رخ داد که گوشه‌هایی از آن، بدون ذکر نام در کتاب حاضر منعکس شده است.

درگذشت پرفسور هانری لوفور، یکی از بزرگ‌ترین اندیشمندان قرن بیستم در فرانسه، در سال ۱۹۹۱ و نکوداشت نام و آثار بی‌بدیل او، به مناسبت بیستمین سال درگذشتش در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از سویی و محول کردن تدریس جامعه‌شناسی سیاسی به من در دانشکده علوم مدیریت و اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، موجب شد که پس از چندین سال تعلیق و تأخیر، گرد زمان را از آن زدوده، به دست کارکنان شکیبای «نشر قطره» بسپارم.

فصول آغازین کتاب ترجمه آزادی است از جلد چهارم کتاب فوق‌الذکر زنده‌یاد پرفسور هانری لوفور. در فصول بعدی دم‌گرم و لحن نقد او در نوشتار حاضر بازتاب یافته است.

چنان‌که در بالا اشاره شد توصیفات بی‌نام شخصیت‌هایی که در متن کتاب آمده هیچ ارتباطی با شخصیت‌های حی و حاضر ندارد و هرگونه شباهتی اتفاق است.

برای تدقیق و تصحیح برخی از واژگان، مؤلف ناچار شده، در موارد محدودی، شماری از واژگان غیرمعمول در زبان جامعه‌شناسی به طور کل و جامعه‌شناسی سیاسی را، به‌ویژه، ساخته و به کار برد؛ به امید این که چنین نوپردازی‌ها فهم موضوع را آسان و متن مطلب را رسا، دقیق و گویا کرده باشد. در زیر «شان نزول» و چگونگی پردازش آن‌ها توضیح داده می‌شود؛ مؤلف پذیرای هرگونه نقد و پیشنهاد سازنده است.

**جامعوی:** در پی تدقیق محتوا و تطبیق آن با حاوی اخیراً دریافته‌ام که صفت

«اجتماعی» را، که از واژه‌ی «اجتماع» گرفته شده است به جای صفت جامعه، در برابر "Social" به کار می‌بریم و در پی خوگیری و بی‌چون و چرائی، به ناسازگاری چنین برگردانی پی نمی‌بریم؛ در صورتی که پیشگامان جامعه‌شناسی، نظیر مارکس، تونیس، ماکس وبر و دورکیم... تعاریف خاصی در قبال اصطلاحات "Community" یا "Gemeinschaft" به معنای «اجتماع» و Society یا Gesellschaft معادل با «جامعه» ارائه داده‌اند.

اصولاً جایز نیست که صفت مشتق از اسمی را با درون مایه مشخص، به جای صفت اسم دیگری به کار برند که با اسم اولیه در لفظ و معنا منافات دارد. کاربرد «اجتماعی» مشتق از «اجتماع» به جای صفت «جامعه» از این قماش می‌باشد. ظاهراً چنین می‌نماید که بنا به دستور فارسی صفت «جامعه» باید «جامعه‌ای» بوده باشد؛ به همین جهت برخی از جامعه‌شناسان ایرانی، اشتباهاً، صفت فوق را در برابر "Societal" قرار داده‌اند و «اجتماعی» را برای بیان مفهوم "Social" بسنده دانسته‌اند! برخی از استادان «مددکاری اجتماعی» نیز برای تفکیک «اجتماعی» از «جامعه» گامی وراءتر برداشته در برابر "Community Social Working" «مددکاری جامعه‌ای» به کار برده‌اند! طبق قواعد دستور فارسی و عربی هنگامی که آخر اسمی به یک حرف صدادار مانند «آ» «ا» (هـ غیر ملفوظ) ختم شود به خاطر خوش‌نوائی و خوش‌بیانی حرف صدادار به «واو» تبدیل می‌گردد و سپس «یا» افزوده می‌شود.

صفات منسوب عیسوی، یحیوی، مولوی... دنیوی، مینوی، کروی و شوروی به جای عیسائی، یحیائی، مولائی... دنیائی، مینوئی، کره‌ای و شورائی طبق همین دستور ساخته شده‌اند و در گذشته نسبتاً دور از غزنه و گنجه نیز به همین روال غزنوی و گنجوی درست کرده‌اند.

با تبعیت از این قانون‌مندی زبانی ما از اسم «جامعه» صفت «جامعه‌وی» یا درست‌تر «جامعه‌ی» را ساخته در برابر "Social" و "Societaire" قرار دادیم تا با صفت «اجتماعی» مشتق از اجتماع و معادل با "Communal" و "Communautaire" اشتباه نشود. درست است که اغلب پیشگامان جامعه‌شناسی صفت "Social" را به مسائل مربوط به «اجتماع» و (Community) نیز اطلاق کرده‌اند ولی در دهه‌های

اخیر زبان جامعه‌شناسی دقیق‌تر و غنی‌تر شده بسیاری از جامعه‌شناسان عصر ما، به ویژه کارکردگرایان، نظیر پارسنز، ناچار به وضع لغت تازه پرداخته‌اند که Societal نمونه‌ی آن می‌تواند باشد.

اصطلاح اخیر کاملاً تازگی دارد و بیش‌تر از جامعه‌شناسی کارکردی برون تراویده است. برای ساختن آن "y" آخر Society را با پسوند منسوب "al" جایگزین کرده‌اند. ما همین شیوه را به کار بسته «ة» مستور جامعه را بارز کرده «ی» نسبت بدان افزوده، صفت «جامعتی» را ساخته‌ایم و معنای مبسوط آن را در فهرست واژگان آورده‌ایم.

— وند: پسوند «وند» به معنا و تحریف «بند» و معادل با بسته، پیوسته و پیرو، پیشینه دیرینه‌ای، به اندازه دماوند، الوند، نه‌اوند دارد.

برخی از اقوام ایرانی، از آن جمله کُرد، وابستگی و پیوستگی ایلی و ارضی را با افزودن پسوند «وند» به آخر نام ایل و محل مشخص کرده‌اند مانند کی‌اوند، کاکاوند، کبودوند، خورشیدوند...

ما این پسوند را به معنای فاعلی در برابر پسوند "ist" لاتین و با افزودن «ی» یعنی «وندی» در مقابل پسوند "ism" به کار می‌بریم.

در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم، به هنگام جنبش‌های "nationalism"، "patriotism"، "socialism"، "racism" پیشگامان واژه‌سازی به اغراق آن‌ها را به «میهن‌پرستی»، «ملت‌پرستی»، «جامعه‌پرستی»، «نژادپرستی»... برگرداندند.

بعد از جنگ بین‌الملل دوم، به واسطه رواج انواع "ism" های دیگر واژه‌سازان بعدی، به ویژه کسانی که در حوزه‌ی علوم اجتماعی (یا جامعه‌ی) کار می‌کردند، پی به اغراق و فاسادگاری "ism" با «پرستی» بردند و به جای آن «گرائی» را نشانند از آن جمله است «کارکردگرائی»، «ساخت‌گرائی»، «نازی‌گرائی» (یا به غلط سرمایه‌داری)...

اکنون هر کسی بر حسب موردی پسوندهای «داری»، «پرستی» و «گرائی» را بنا به ذوق و سلیقه‌ی خود به کار می‌برد.

با توجه به این‌که در مکاتب سیاسی، فلسفی و عقیدتی، پسوند "ism" مبین اعتقاد می‌باشد و «اعتقاد» و «عقیده» از ریشه‌ی «عقد» به معنای گره و بستگی

مشتق شده‌اند ما بر این باوریم که پسوند «وند» و «وندی» معنا و مفهوم پیروی و پیوند (پی‌وند) را عمیق و صحیح‌تر از «گرائی tendency» بیان می‌کند و به واسطه‌ی یک سیلابی بودن بهتر تلفظ می‌شود. بنابراین در برابر patriotism, nationalism, capitalism, racism, structuralism, functionalism, traditionalism, terrorism به ترتیب نقشوندی، ساختوندی، نژادوندی، سرمایه‌وندی، ملتوندی، میهنوندی، بیموندی، ستوندی را به صورت مکتب و اعتقاد و صفت فاعلی مربوط به پیرو معتقد، معادل با پسوند "ist" را با «وند» وضع کرده‌ایم: نظیر نقشوند، ساختوند، نژادوند، سرمایه‌وند، ملتوند، میهنوند، بیموند، ستوند.

- ورز پسوند «ورز» یا «ور» از فعل ورزیدن برگرفته شده در اسامی نظیر کشاورز، پیشه‌ور، دانشور، دینور، سرور، پایور... به کار رفته است که هم می‌تواند به معنای‌کننده‌ی کار یا دارنده باشد. ما در نوشته‌های خود پسوند «ور» یا معادل با «ورز» به کار می‌بریم و برای دارندگی پسوند «مند» را ترجیح می‌دهیم. بدین‌سان پیشه‌ور، همانند کشاورز یا کارورز کسی است که به پیشه‌ای اشتغال دارد و معاش خود را از راه ورزیدن در پیشه‌ای تأمین می‌کند، چنان‌که دانشورز شغل مبتنی بر دانش دارد و دینورز از طریق خدمات دینی، به عنوان یک شغل، فعالیت می‌کند.

سرور و پایور را به معنای سرواره و پای‌واره نیز می‌توان تلقی کرد که ما در همین معنا تنواره را معادل با organic و تنوندی را برابر با organicism (مکتب اسپنسر) پذیرفته‌ایم. چنان‌که در متن کتاب ملاحظه خواهد شد تفاوت عمده‌ای بین خردمند، خردورز و خردوند وجود دارد: «خردمند» کسی است که دارای خرد است. «خردور» یا «خردورز» (rational) کسی است که در امور خود خرد را به کار می‌گیرد؛ خردوند (rationalist) کسی است که، بدون الزام به خردمند یا خردورز بودن، به اصالت و کارکرد خرد اعتقاد دارد. همین معانی در «فرمند»، فرورز و فروند یا دانشمند، دانشورز و دانشوند نیز صادق است.

با توجه به نوآوری در برخی از اصطلاحات به خوانندگان عزیز و ارجمند پیشنهاد می‌کنم پیش از پرداختن به متن اصلی کتاب مروری به واژگان در پایان

کتاب داشته باشند.

در پایان بایسته است از همکاران فرزانه که بخش‌هایی از کتاب را خوانده و پیشنهادهای ارزنده‌ای ارائه داده‌اند صمیمانه سپاس‌گزاری می‌کنم. چنان‌که پیداست تولید و «تولد» کتاب نتیجه‌ی مهارت‌های گوناگون متعددی است. از مدیر نشرقطره و گروه فنی، کسانی که با شکیبایی در تایپ، ویراستاری، طراحی، چاپ، صحافی و توزیع مشارکت عملی و نظری داشتند تشکر وافر می‌دارم.

د. شیخاوندی

دی ماه سال ۱۳۹۲

www.ketab.ir

## پیش‌نوشتار

تاکنون شیوه‌های جامعه‌شناسیک بیشتر در مورد قوم‌شناسی و روان‌شناسی جامعوی به کار گرفته شده است. در این نوشتار قصد داریم که روش‌ها و برداشت‌های متعلق به جامعه‌شناسی را در تحلیل و تحریر خطوط کلی و جنبه‌های عام پدیده‌ها و رفتار سیاسی نیز به کار بیدیم تا وقایع و کنش‌های مربوط به علم سیاست را در قالب جامعه‌شناسی سیاسی ارائه دهیم.<sup>۱</sup>

برای دستیابی به چنین منظوری شایسته است که کارکردهای اساسی سیاست را که در اکثر کشورها به هم شبیه هستند، با توجه به شرایط زمانی، مکانی، فردی و جمعی، از انواع و اشکال ریز و درشت آن‌ها، از هم تفکیک کرده، مورد کنکاش و کاوش قرار دهیم. از دیدگاه توالی و تسلسل موضوع تاکنون نخست تحول کنش‌های سیاسی در بستر تاریخ مورد بررسی قرار گرفته، سپس به ابعاد حقوقی نهادها و نهادهای حقوقی پرداخته شده و در فرجام، نوبت جامعه‌شناسی سیاسی فرا رسیده است. این علم اجمالاً کارکردهای پایدار، ساختارها، سلسله

---

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک. به داریوش آشوری، درآمدی به جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی سیاسی، انتشارات مروارید، تهران، ۱۳۵۸، از صفحه ۳۵ بعد.

مراتب، نوع ذهنیات و پندارها، خاستگاه و راستای تحول آن‌ها را در عرصه‌ی سیاست بیان می‌دارد.

یکی از زمینه‌های جامعه‌شناسی سیاسی جمع‌آوری، تحلیل و تدوین نوشته‌های سیاست‌ورزان و دولتمردان می‌باشد که خود در «گود سیاست» بوده، با آن درگیر یا رهبری آن را در عصر خویش به عهده داشته‌اند. در ایران این مقولات در قالب حکمت عملی، سیرالملوک، سیاست‌نامه‌ها... مدون گشته است از جمله، نظام‌الملک، که یکی از پیشگامان این شیوه به‌شمار می‌آید، دهر کتاب معتبر خویش موسوم به «سیاست‌نامه» اشاره‌ی متعددی به شخصیت‌های سیاسی - دینی متقدم دارد. با بازگویی عمل‌کرد امیران و سلاطین در شرایط خاص، به‌عنوان الگوی کار، برای «ولی نعمت و خداوندگار» خویش و بازماندگان آنان ارائه می‌دهد. در اروپا، در عرصه‌ی علم سیاست، ماکیاول، در پی اثر معروف خود به‌نام «ال‌پرنسیپه» یا (امیر)، نامور گشته و بانی علم سیاست (منفک از فلسفه) محسوب می‌شود. ماکیاول نیز همانند نظام‌الملک، مدت‌ها در دستگاه دولتی مشغول کار بوده، بنا به مسئولیت‌های خود، در شهر - دولت‌های ایتالیایی سفر کرده، به سفارت پرداخته و در پی آن کارکرد دولت‌واره‌ها را مورد مطالعه و مذاقه قرار داده است. وی برداشت‌ها و بینش‌های سیاسی - روانی خود را در تبعید و تقاعد به رشته‌ی تحریر کشید (در سال ۱۵۱۳، هم‌زمان با سلطنت شاه اسماعیل در ایران) و کتاب «ال‌پرنسیپه» را آراست. این کتاب، بعد از مرگ نویسنده، در سال ۱۵۳۲ انتشار یافت.

از زمان‌های دیرین ستیز و جنگ یکی از عمده‌ترین عوامل پیدایی دولت و نیز از صحنه‌های عملکرد سیاست بوده، در عصر ما، به‌ویژه در نیمه‌ی نخست قرن بیستم، ابعاد جهان‌سوز یافته است. مناقشات، تجاوزات، و در پی‌آمد آن‌ها دفاع نظامی، همیشه پشتوانه‌ای از توجیهات تقویت و تمرکز دولت و قهرک و

۱. داریوش آشوری این اثر را «شهریار» ترجمه کرده است. در عصر فتوادی قرن پانزدهم، به‌ویژه در پرنس‌نشین فلورانس، موطن ماکیاول، «شهریاری» بمفهوم فارسی آن وجود نداشته است.

تحریکات سیاسی را به همراه داشته و هنوز هم دارد. جنگ‌ها و انقلاب‌ها لحظات بسیار بحرانی و حساس زیست جامعه تلقی می‌شوند. بر دانشوران است که بدانند از طریق چه فعل و انفعالاتی، چه قضا و قدری، رفتار دولت‌ها در جریان تمدن، به حوادث مخرب و خانمان‌سوز جنگ، جنگ طبقاتی و انقلاب منجر می‌شود. این مقوله را می‌توان در قالب علم «ستیزشناسی» (پوله مولوژی)<sup>۱</sup> نیز مورد مطالعه قرار داد که مکمل جامعه‌شناسی سیاسی (politique) می‌تواند باشد. با شناخت انگیزه و محرکات ستیزها و مناقشات (polemique) طبقاتی، قومی و ملّتی است که می‌توان راه تفاهم و وفاق ملّی را از سویی و صلح بین ملّت‌ها را از سوی دیگر، هموار ساخت؛ صلحی که بر خردورزی دولتمردان و پیش‌بینی جامعه‌شناسیک استوار بوده، از کشاکش و کشتار متعصبانه‌ی طبقات، ادیان، اقوام و ملت‌ها پیشگیری کند.

شناخت راستین زیست جامعه‌ی، به‌ویژه کارکرد سیاست و دولت، نخستین گام برای آشنایی و تفاهم بین ملت‌ها و ستیزدایی بین مردمان تلقی می‌شود. جامعه‌شناسی سیاسی امروز می‌تواند ره‌گشای سیاست آرامش فردا و آسایش پس‌فردا باشد.

۱. کتاب "polemologie" گاستون بوتول تحت عنوان «ستیزشناسی» توسط حسن پویان به فارسی ترجمه شده و از سوی چاپخش انتشار یافته است.